

## مثلت شتاب انقلاب (۲)

□ قدرت الله عفتی

۳- قیام ده فروردین ۱۳۵۷ یزد

مقدمه

طلاب و مردم متدین قم در اعتراض به مقاله توهین آمیز «ایران و استعمار سرخ و سیاه»<sup>۱</sup> در روز نوزده دی ۱۳۵۶ دست به راهپیمایی زده بودند که توسط گارد شاهنشاهی، در چهارراه ارم (میدان شهدا) به گلوله بسته شدند.<sup>۲</sup> در جریان این حمله وحشیانه عده‌ای کشته و زخمی شدند. چهلم این شهدا در روز ۲۹ بهمن ۱۳۵۶ در چند شهر برگزار شد. در تبریز این مراسم به قیام وسیعی تبدیل شد و سراسر شهر را فراگرفت. نیروهای مسلح رژیم پهلوی در تبریز مردم را به خاک و خون کشیدند.<sup>۳</sup> مراجع تقلید، علما و گروه‌های مختلف طی اعلامیه‌های جداگانه‌ای این جنایت را محکوم کردند و خواستار مجلس ترحیم برای این شهدا شدند ولی رژیم پهلوی برای سرپوش گذاشتن بر جنایات خود با تبلیغات وسیعی می‌گفت که عده‌ای کمونیست از آن طرف مرز وارد کشور شدند و این خرابکاری را به راه انداختند و همچنین برای انحراف اذهان مردم از این قیام، تبلیغات وسیعی در رادیو، تلویزیون و روزنامه‌ها برای برپایی جشن نوروزی به راه انداخته بودند که مردم به جشن‌های نوروزی سرگرم شوند و اقدامی در جهت مراسم شهدای تبریز انجام ندهند، اما مراجع تقلید با اعلام عزای عمومی برای شهدای تبریز عملاً عید را تحریم کردند.

امام خمینی به همین منظور، با ارسال پیامی، ضمن ابراز انزجار از این جنایت، رژیم پهلوی را به چالش جدی کشانیده و خطاب به مردم خاطر نشان کردند:

«...کشدار بی رحمانه قم، ایران را به هیجان در آورد و تبریز عزیز را به قیام همگانی مردانه در قبال ظلم و بیدادگری کشاند. و کشدار دسته جمعی تبریز، ملت غیور ایران را چنان تکان داد که در آستانه انفجار است انفجاری که دست اجانب... را برای همیشه قطع کند... و دودمان سیاهروی پهلوی را برای همیشه از تاریخ ایران محو کند... مصیبت های ما گرچه یکی دو تا نیست...، لکن مصیبت بزرگی را که بر برادران تبریزی ما وارد شد، اربعین آن را در سوگ هستیم و ملت ایران نیز در آن روز با عزای عمومی خود به ملت های آزاد جهان بفهمانند که ما با چه شرایطی زندگی می کنیم...»<sup>۴</sup>

در اولین روز سال ۱۳۵۷، علمای حوزه علمیه قم طی اعلامیه ای با اشاره به وقایع سال ۱۳۵۶ آوردند:

«رژیم پهلوی پس از قتل دکتر شریعتی و سید مصطفی خمینی و اهانت به امام خمینی مردم را به گلوله بست که بیش از ۲۰۰ نفر کشته و صدها تن زخمی شدند، آیا خلاف انسانیت نیست در حالی که هزاران خانواده در عزای فرزندان به خون خفته خویش سیاه پوشیده اند ما عید بگیریم؟! ما نه تنها عید نداریم بلکه برای چهلم شهدای تبریز آماده می شویم و روزی عید می گیریم که بر یزید زمان پیروز گردیم»<sup>۵</sup>

به همین منظور در روز دوم فروردین، طلاب مدرسه خان (آیت الله بروجردی) بر سر در مدرسه پارچه سیاه به علامت عزای عمومی نصب کردند.<sup>۶</sup>

مراجع تقلید (آیت الله مرعشی نجفی، آیت الله گلپایگانی، آیت الله شریعتمداری، علمای یزدی مقیم قم و مدرسین بزرگ حوزه علمیه قم طی اعلامیه های جداگانه ای روز دهم فروردین را عزای عمومی اعلام کردند و خواستار مجلس ترخیم برای شهدای تبریز شدند<sup>۷</sup>؛ گروه های مختلف مخالف رژیم پهلوی، اعلامیه های جداگانه ای در این مورد صادر کردند. این اعلامیه ها بدور از چشم ساواک به طرق مختلف در سراسر کشور تکثیر و توزیع می شد و مردم از همان روزهای اول فروردین در گوشه و کنار کشور تظاهراتی برگزار می کردند که از جمله آنها تظاهرات هفت فروردین در تهران، بابل، قزوین و یزد است<sup>۸</sup>، تا اینکه در روز دهم فروردین برای چهلم شهدای

□ برای چهلم شهدای تبریز حداقل در ۵۵ شهر بزرگ و کوچک ایران مراسم ترحیم برگزار شد و در بیش از ۲۲ شهر منجر به تظاهرات گردید که در چندین شهر کشته‌هایی بر جای گذاشت

تبریز حداقل در ۵۵ شهر بزرگ و کوچک ایران مراسم ترحیم برگزار شد<sup>۹</sup> و در بیش از ۲۲ شهر ایران منجر به تظاهرات گردید که در چندین شهر کشته‌هایی بر جا گذاشت<sup>۱۰</sup>؛ در این میان قیام یزد به فاجعه سوم برای رژیم پهلوی و شتاب انقلاب برای مردم انقلابی ایران تبدیل شد.

#### زمینه قیام در یزد

آیت‌الله شیخ محمد صدوقی در سال ۱۳۳۰ با دعوت و اصرار مردم متدین یزد به زادگاهش بازگشت. ایشان شخصیتی انقلابی و پیرو امام خمینی و دارای پایگاه مردمی محکم و مریدان زیادی در یزد، اصفهان، کرمان و کاشان بودند. بعد از شهادت آقا مصطفی خمینی به فعالیت انقلابی خود گسترش بیشتری دادند، برای آقا مصطفی در یزد مجلس ترحیمی برگزار کردند؛ و بعد از قیام ۱۹ دی، همراه با حجت‌الاسلام سید روح‌الله خاتمی از اردکان یزد و حجت‌الاسلام شیخ ابراهیم اعرافی از شورک میبد - که هر دو آنها در شهر خود دارای نفوذ کلام بودند - به قم آمدند و با مراجع تقلید دیدار کرده و کسب تکلیف می کردند. مراجع تقلید به آنها می گفتند: فعلاً صبر کنید تا اقداماتی که کرده‌ایم نتیجه بدهد، بعداً خبر می کنیم.<sup>۱۱</sup>

آیت‌الله صدوقی در روز ۲۹ اسفند ۱۳۵۶ طی اعلامیه‌ای خطاب به ملت نوشت:

«برادران ایمانی، سال نو با آه و ناله و افغان آغاز می‌شود، سال نو با اشک چشم یتیمان پدر از دست داده آغاز می‌گردد، سال نو با ناراحتی شدید مادران و پدرانی که عزیزان خود را از دست داده و غلطان در خون مشاهده نموده‌اند شروع می‌شود، سال نو با سفره‌های آغشته به

خون بیگناهان قم و تبریز و لبنان و سایر شهرستانها که برای دفاع از حریم مقدس قرآن و روحانیت قربانی شده‌اند به چشم می‌خورد... لذا مناسب است که عموم برادران مسلمان از برگزاری مراسم نوروزی خودداری فرموده و به سوگ ماتم شهیدان بنشینند.»

آیت‌الله صدوقی برای تدارک مجلس ترحیم چهلم شهدای تبریز، حجت‌الاسلام دکتر حسن روحانی را از تهران به یزد دعوت نمود، و در روز هفتم فروردین، طلاب و مردم متدین یزد را در منزلش جمع کرد. دکتر روحانی به منبر رفت و مسائل جاری انقلاب و جنایات رژیم پهلوی را تشریح کرد. بعد از منبر دکتر روحانی، آیت‌الله صدوقی اعلامیه‌ی امام خمینی، به مناسبت چهلم شهدای تبریز را به حجت‌الاسلام شیخ کاظم راشدپور یزدی داد و ایشان آن را برای جمعیت قرائت کرد.<sup>۱۲</sup> در همین روز تظاهرات قابل توجهی در یزد برگزار شد.<sup>۱۳</sup>

آیت‌الله صدوقی در روز هشتم فروردین اعلامیه‌ای با این شرح صادر نمود:

«برادران ایمانی، چهل روز از شهادت مسلمانان غیور تبریز که به حمایت از قرآن و روحانیت و تکریم از مقام عالی شهیدان قم برخاسته بودند گذشت. اهالی محترم تبریز دین خود را





به اسلام شرافتمندانه ادا کردند، ... روز پنج‌شنبه ده فروردین ۱۳۵۷ در مسجد روضه محمدیه (حظیره) برای تجلیل از ارواح عالیه شهیدان قم و تبریز مجلس بزرگداشت، بخاطر جانبازی مردان راه حق برپاست. شرکت عموم طبقات را انتظار داریم.»<sup>۱۴</sup>

#### اقدامات بازدارنده دولت (رژیم پهلوی)

برای رعایت اختصار باید گفت: از طرف دیگر مأموران رژیم پهلوی تماشاگر صحنه نبودند، بلکه کمیسیون فوق‌العاده شورای هماهنگی استان یزد در صبح همین روز (هشتم فروردین) تشکیل شد. در این کمیسیون تصمیم گرفته شد که برای حفظ شهر احتیاج به ۴۵ نفر مأمور ژاندارمری و ۶۰ نفر مأمور پلیس دارند که به کمک مأمورین مستقر در شهر اعزام شوند و همچنین این کمیسیون از فرمانده مرکز توپخانه و موشک‌های اصفهان تقاضای اعزام و استقرار یک گروهان واحد کمکی و چهار خودروی نفربر را نموده است.<sup>۱۵</sup>

#### قیام ده فروردین

در گزارش ساواک یزد به مرکز (تهران) آمده است که عده‌ای از شهرهای دیگر به یزد

آمده‌اند تا مراسم چهلم کشته‌شدگان تبریز را در یزد برگزار کنند. اینها قصد دارند بعد از مراسم چهلم در خیابان‌های یزد دست به تظاهرات بزنند.<sup>۱۶</sup> ساواک با این اطلاعات به دست آورده، نیروهای زیادی تقاضا کرده و در شهر مستقر نمود ولی مردم می‌خواستند به هر قیمتی که باشد برای کشته‌شدگان خود مجلس ترحیم برگزار کنند لذا در شب نهم فروردین بعد از نماز مغرب و عشا در مسجد روضه محمدیه (حظیره)، آیت‌الله صدوقی به منبر رفت و سخنرانی مهیجی ایراد کرد.<sup>۱۷</sup> بعد از سخنرانی (ساعت ۱۰/۳۰) جمعیت پنج هزار نفری که پیشاپیش آنها روحانیون مبارز مانند آیت‌الله صدوقی در حرکت بودند، با شعار الله اکبر وارد خیابان شدند و با شعار درود بر خمینی، مرگ بر شاه به سمت چهارراه پهلوی (میدان شهدا) و از آنجا به میدان مجسمه رفتند. مردم در راه، شیشه‌های بانک‌ها و مشروب‌فروشی‌ها و مراکز فساد را می‌شکستند. دسته دیگری از جمعیت تقریباً هزار نفری در خیابان ثریا دست به تظاهرات زدند و دسته سوم با جمعیتی حدود هزار نفر در خیابان کرمان دست به تظاهرات زدند. اینها نیز شیشه بانک‌ها، حزب رستاخیز، مشروب‌فروشی‌ها را می‌شکستند<sup>۱۸</sup> که با دخالت پلیس مردم از تاریکی شب استفاده کرده متفرق شدند. در این شب چهار الی پنج نفر دستگیر و زندانی شدند و مأموران رژیم در سراسر شهر مستقر شدند تا از هرگونه حادثه‌ای جلوگیری کنند.

در این اوضاع هر یک از انقلابیون وظیفه خود را انجام می‌داد. آیت‌الله صدوقی در مرکز انقلاب قرار داشت. ایشان آن شب به منزلش نرفت، بلکه در مسجد روضه محمدیه (حظیره) ماند تا بتواند دقیق‌تر کارها را کنترل کند. در همین شب رئیس شهربانی یزد، (سرهنگ هاشمی) به مسجد روضه محمدیه رفت و با تندی به آیت‌الله صدوقی گفت: فردا از هرگونه اقدامی که منجر به تظاهرات می‌شود خودداری کنید و الا!<sup>۱۹</sup>...

خورشید روز دهم فروردین از افق سر برآورد. نیروهای مسلح رژیم پهلوی در همه جای شهر مستقر شده بودند. شهر کاملاً تعطیل بود. مردم از شهرها و روستاهای اطراف برای شرکت در مراسم اربعین شهدای تبریز به یزد وارد می‌شدند. مردم سیاه‌پوش و خشمگین، ساعت ۹/۳۰ مسجد روضه محمدیه (حظیره) را پر کرده بودند. مجلس با تلاوت قرآن کریم شروع شد. هر لحظه بر



□ قیام یزد به فاجعه سوم برای رژیم پهلوی و شتاب انقلاب اسلامی تبدیل شد

□ پنج هزار نفر که پیشاپیش آنها روحانیون مبارز یزد از جمله آیت‌الله صدوقی در حرکت بودند با شعار الله اکبر، وارد خیابان شدند و با شعار درود بر خمینی، مرگ بر شاه به سمت چهارراه پهلوی (میدان شهدا) رفتند

تعداد جمعیت افزوده می‌شد. منبری معروف یزد (شیخ حافظیه) به منبر رفت. بعد از ایشان شیخ کاظم راشدپور یزدی رشته سخن را در دست گرفت و گفت: مگر مردم تبریز چه خواسته بودند که با مسلسل درو شدند؟ آنها آزادی خواستند. آنها اجرای قانون را خواسته بودند... ما نیز همان خواسته مردم قم و تبریز را داریم.

بعد از سخنرانی آقای راشدپور، جمعیت با فریاد الله اکبر، درود بر خمینی، زنده و جاوید باد یاد شهیدان ما؛ وارد خیابان شدند. هر لحظه بر تعداد جمعیت اضافه می‌شد. موج جمعیت به ۱۵ هزار نفر رسید. شعارها تندتر شده بود. مردم با شعار مرگ بر شاه، رستاخیز رسوا شد، و... به سوی میدان پهلوی (میدان شهدا) حرکت می‌کردند. در میدان پهلوی (میدان شهدا)، پلیس با کمک نیروهای کمکی که از قبل آماده شده بودند و هشتاد نفر مأمور اعزامی که از مرکز توپخانه اصفهان با دو هلیکوپتر، ساعت ۱۰/۳۰ وارد یزد شده بودند جلوی جمعیت را گرفته و مردم را به مسلسل بستند. در همان لحظات اولیه شش نفر کشته شدند. جمعیت به کوچه‌های اطراف پراکنده شدند. نیروهای مسلح که در کوچه‌ها کمین کرده بودند مردم را به گلوله بستند. ماشین آپاش بر روی مردم ماده سرخ رنگی می‌پاشید تا آنهایی که در تظاهرات بودند به هر جایی فرار می‌کردند توسط نیروهایی که در سراسر شهر مستقر بودند شناسایی و دستگیر شوند.<sup>۲۰</sup>

## شهدا، مجروحین و دستگیرشدگان

در پنج ساعت حمله وحشیانه به مردم، عده زیادی کشته و زخمی شدند، هر چند که ساواک در گزارش به مرکز، تعداد کشته‌ها را دو نفر و تعداد زخمی‌ها را ده نفر ذکر کرد. آیت‌الله صدوقی در تماس تلفنی با آیت‌الله مرعشی نجفی در روز یازدهم فروردین، کشته‌ها را تا این روز ۱۱ نفر و زخمی‌ها را ۵۰ نفر ذکر کرد.<sup>۲۱</sup> ولی باید دانست که تعداد کشته‌ها و زخمی‌ها از این تعداد بیشتر است. چون ساواک کشته‌ها را تحویل نمی‌داد و همچنین به تمام بهداری‌ها، بیمارستان‌ها، نظام پزشکی و... اعلام کرد که مجروحین و کشته‌شدگان را به ساواک تحویل دهند و در بیمارستان، ساواک از رساندن خون به مجروحین ممانعت می‌کرد و... از طرف دیگر عده‌ای از مجروحین که توانستند از معرکه جان به در ببرند، پنهانی در منازل خود یا مطب دکترهای متدین مداوا می‌شدند و همچنین مردم عده‌ای از کشته‌ها را به صورت پنهانی به منازل خود برده و دفن کردند. لذا از تعداد دقیق کشته و زخمی‌ها و دستگیرشدگان اطلاعی در دست نیست ولی با نگاهی به وسعت حضور نظامیان و برنامه آنها و وسعت حمله وحشیانه آنها می‌شود به عمق فاجعه پی برد و تعداد کشته‌ها، زخمی‌ها و دستگیرشدگان را حدس زد.

## پیامد قیام یزد

بعد از ظهر روز دهم فروردین ساواک یزد برای ایجاد رعب و وحشت هر کسی را به بهانه‌های واهی به ضرب و شتم می‌گرفت و دستگیر و زندانی می‌کرد. مردم از کشته‌ها، زخمی‌ها و زندانیان خود خبری نداشتند و ساواک همچنین علمای انقلابی مانند حجت‌الاسلام راشدپور یزدی، حجت‌الاسلام ربانی و... را به ایرانشهر تبعید کرد؛ ولی مردم تصمیم خود را گرفته بودند<sup>۲۲</sup>، لذا هر روز بر تعداد نمازگزاران مساجد، مخصوصاً مسجد حظیره بیشتر می‌شد. ساواک بخاطر موقعیت و پایگاه مردمی آیت‌الله صدوقی نتوانست ایشان را تبعید کند و ایشان هر روز بعد از نماز مغرب و عشا برای حضاری که هر روز بر تعدادشان اضافه می‌شد از وضعیت انقلاب و جنایات رژیم پهلوی می‌گفت<sup>۲۳</sup>؛ در نتیجه تلاش ساواک عقیم می‌ماند.



بعد از این قیام (قیام یزد) مردم سراسر کشور دیگر منتظر چهلم شهدا نمی‌شدند، هر روز بر تعداد شهرها و افراد معترض و تظاهرکننده اضافه می‌شد تا جایی که در روز ۱۲ و ۱۳ فروردین ۱۳۵۷ در بیش از ۲۴ شهر، تظاهرات گسترده برگزار شد که در آنها آن عده زیادی کشته و زخمی و دستگیر شدند.<sup>۲۴</sup>

مراجع تقلید قم، در روز چهارشنبه ۱۶ فروردین برای کشته‌شدگان یزد در مسجد اعظم مجلس ترحیم گرفتند که جمعیت خیلی زیادی در آن شرکت کردند و آیت‌الله صدوقی نیز در مسجد روضه محمدیه (حظیره) یزد در روز بیست فروردین مجلس یادبود شهدای یزدی را در مسجد پر از جمعیت برگزار کرد<sup>۲۵</sup> و سرانجام این موج روزافزون شد و کل کشور را در بر گرفت تا اینکه در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ حکومت شاهنشاهی دو هزار و پانصد ساله را در ایران از ریشه درآورد.



#### پی‌نوشتها:

۱. روزنامه اطلاعات، هفده «۱۷» دی ۱۳۵۶، ص ۷.
۲. شیرخانی، علی، حماسه ۲۹ بهمن تبریز، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، اول ۱۳۷۸، ص ۹۴.
۳. بهبودی، هدایت‌الله، تبریز در انقلاب، تهران، عروج، اول ۱۳۸۳، ص ۲۴۶.
۴. امام خمینی، صحیفه امام، ج ۳، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، دوم ۱۳۷۹، ص ۳۶۲ - ۳۵۹.
۵. روزشمار انقلاب اسلامی، ج ۳، تهران سازمان تبلیغات اسلامی، اول ۱۳۷۸، ص ۱۵.
۶. همان، ص ۱۹.
۷. همان، ص ۲۸ - ۳۵.
۸. نک - دوانی، علی، نهضت روحانیون ایران، ج ۷، تهران مرکز اسناد انقلاب اسلامی، دوم ۱۳۷۷، ص ۱۰۱ - ۹۸.
۹. روزشمار انقلاب اسلامی، ج ۲، پیشین، ص ۴۰.
۹. مخیر، عباس (مترجم)، سلسله پهلوی و نیروهای مذهبی به روایت تاریخ کمبریج، تهران، طرح نو، اول ۱۳۷۱، ص ۳۱۸.
۱۰. روزنامه اطلاعات، شماره ۱۵۵۷۳ شنبه ۱۲ فروردین ۱۳۵۷، ص ۴.

- نک - روزشمار انقلاب اسلامی، ج ۳، ص ۵۷.
۱۱. یاران امام به روایت اسناد ساواک، ج ۲، (شهید آیت الله حاج شیخ محمد صدوقی)، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، دوم ۱۳۷۷، ص ۹۳.
- نک - بختیاری، شهلا، شهید صدوقی: عملکرد، مبارزات، دیدگاهها، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، اول ۱۳۷۸، ص ۶۷ و ۶۶.
۱۲. همان، ص ۱۰۰ و ۹۹.
۱۳. روزشمار انقلاب، ج ۳، ص ۴۰.
- نک - شهید صدوقی: عملکرد، مبارزات، دیدگاهها، پیشین، ص ۷۸ - ۸۱.
۱۴. یاران امام به روایت اسناد ساواک، ج ۲، پیشین، ص ۱۰۲.
- نک - اخوان فرد، محمد، شهید صدوقی و انقلاب اسلامی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، اول ۱۳۸۱، ص ۲۳ و ۲۲.
۱۵. یاران امام به روایت اسناد ساواک، ج ۲، پیشین، ص ۱۰۳.
۱۶. همان، ص ۱۱۰.
۱۷. همان، ص ۱۰۵.
۱۸. روزشمار انقلاب، ج ۳، پیشین، ص ۵۱ و ۵۰.
- نک - یاران امام به روایت اسناد ساواک، ج ۳، پیشین، ص ۱۱۳ - ۱۰۹.
- نک - روزنامه اطلاعات شماره ۱۵۵۷۲، ده فروردین ۱۳۵۶، ص ۴.
۱۹. یاران امام به روایت اسناد ساواک، ج ۲، پیشین، ص ۱۱۴.
۲۰. همان، ص ۱۱۲ و ۱۰۸ و ۱۰۷.
- نک - روزشمار انقلاب، ج ۳، پیشین، ص ۵۸ و ۵۷.
۲۱. یاران امام به روایت اسناد ساواک، ج ۲، پیشین، ص ۱۰۸ و ۱۰۷.
۲۲. همان، ص ۱۱۷.
- نک - روزشمار انقلاب، ج ۳، پیشین، ص ۵۸.
۲۳. یاران امام به روایت اسناد ساواک، ج ۲، پیشین، ص ۱۱۹ و ۱۱۸.
۲۴. روزنامه اطلاعات، شماره ۱۵۵۷۴، دوشنبه ۱۴ فروردین ۱۳۵۷، ص ۴.
۲۵. یاران امام به روایت اسناد ساواک، ج ۲، پیشین، ص ۱۲۷ و ۱۲۶ و ۱۲۱.



روزشمار انقلاب اسلامی  
مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی